



واقعی نیست. اما محمدرضا آهنج، کارگردان این سریال، جواب این انتقادات را این گونه داد: «این داستان است، پس در داستان نباید همان اتفاق های واقعییت بیفتند.»

از یادها رفته

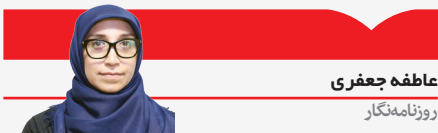
شروعش چه مخاطب بخواهد و چه نخواهد، او را به یاد سریال شهرزاد می انداخت؛ سریالی که می خواهد یک برهه تاریخی و همه اتفاق هایش را روایت نکند، اما درنهایت می شود کپی برداری ضعیف از همه چیز و درنهایت هیچ ا روایت هایی که آنقدر زیاد هستند که مخاطب را گیج می کند و ارتباط درستی هم با هم ندارند! تولید این سریال ۵۰ قسمتی از سال ۹۶ آغاز شد و ابتدا قرار بود از شبکه پنج سیما پخش شود و درنهایت بدون هیچ ربطی به شبکه یک رسید و در ماه رمضان پخش شد. سریال از یادها رفته پنجمین سریال بهرام بهرامیان است و با اطمینان یکی از ضعیف ترین آثار تاریخی تلویزیون.

گاندو

سریال جدید شبکه سه که پخش آن بعد از ماه رمضان آغاز شده و ساخت مستندگونه آن باعث جذابیت این سریال شده است. جواد افشار که سریال «کیمیا» را در کارنامه خود دارد، درباره سریال جدیدش معتقد است گاندو بدون اینکه عشقی را در بستر داستان داشته باشد، مخاطب را به خود جذب می کند. گاندو درباره پرونده جیسون رضائیان، جاسوس دوتابعیتی ایرانی- آمریکایی ساخته شده و در کنار آن پرونده های مختلف و مرتبط با این جاسوس امنیتی را بررسی کرده است. گاندو تا الان موفق بوده است و باید دید تا قسمت آخر چگونه می تواند مخاطب را پای صفحه جادویی تلویزیون نگه دارد.

بوی باران

محمود معظمی را با مجموعه «شاید برای شما هم اتفاق بیفتد» می شناسیم، اما حالا او سریالی را به شبکه اول سیما آورده است؛ سریالی که در قسمت دوم شوک شدیدی را با لحظه انفجار و کشته شدن عروس قصه ایجاد کرد. اسمش را ابتدا «عروس تاریکی» گذاشتند، اما بعد از دو قسمت به «بوی باران» تبدیل شد. نکته دیگر این است که این سریال بازیگران زیاد و بنامی دارد و مطمئنا باید پول زیادی به آنها پرداخته شده باشد. تاکنون ۱۰ قسمت از بوی باران پخش شده و شاید بتوان گفت بازی نرگس محمدی در این سریال مخاطب را به یاد «ستایش» می اندازد.



عاطفه جعفری

روزنامه نگار

سه ماه از سال ۹۸ گذشت و مطمئنا با شروع فصل تابستان، صداوسیما باید سرگرمی های متنوعی را برای بینندگانش به همراه داشته باشد، اما حتی تبلیغاتی هم برای برنامه های تابستانه در صداوسیما نمی بینیم. در این گزارش، سریال هایی را بررسی می کنیم که در این سه ماه از تلویزیون پخش شد تا ببینیم مدیران و سریال سازان تلویزیون چقدر توانستند با قصه هایشان اوقات مخاطبان تلویزیون را خوش کنند. اگر چه انتقادات از همان نوروز ۹۸ به سریال های تلویزیون شروع شد که قصه ها و طراحی سریال ها تکراری است و انگار حرف تازه ای ندارند.

نون. خ

سریال نون. خ، سریالی به کارگردانی سعید آقاخانی بود؛ سریالی که دوربینش را از تهران بیرون برده بود و قصه اش را با بازیگران کرد زبان تعریف می کرد. به همین خاطر بود که از همان ابتدا می گفتند قرار است این سریال فضایی شبیه قصه های «پایتخت» را ترسیم کند، ولی این بار نه در شمال کشور که در غرب ایران. سعید آقاخانی، حمیدرضا آذرنگ، علی صادقی، هومن حاجی عبداللهی، فریدسه سیاه منصور، نعیمه نظام دوست، سیاوش مفیدی و سیروس میمنت از جمله بازیگران این سریال بودند. قصه «نون. خ» اگر چه با مشکلات اقتصادی نورالدین یا «نوری» شروع می شود، اما در ادامه فضایی خانوادگی پیدا می کند. این چندمین سریال نوروزی سعید آقاخانی است، با این حال می توان از آن با عنوان تجربه ای جدید در کارنامه اش یاد کرد؛ تجربه ای که نابا بازیگرها و بازیگران غیرمشهورتر را در کنار بازیگران حرفه ای قرار داده بود و توانست استعداد های خوبی را هم در این مجموعه به مخاطب و عرصه تلویزیون معرفی کند. توجه به اتفاقات روزمره مثل دستگیری سلاطین اقتصادی در قشرهای مختلف یک دلیل دیگر جذابیت این سریال بود. فیلم نتوانست به موفقیت سریال پایتخت در جذب مخاطب برسد، ولی به نسبت دیگر سریال های نوروزی بهتر عمل کرد.

زوج و فرد

سریالی که ابتدا اسمش «مر قانون» بود و بعد به «زوج و فرد» تغییر پیدا کرد. سوزه آقازادگی و بازی شگستی مدیران، دستمایه ساخت



این سریال شد و می توان گفت انتخاب چنین سوزه ای برای طنز، می توانست سریال را به نقطه اوج برساند. علیرضا نجف زاده در اولین تجربه کارگردانی خود، سراغ بازیگرانی رفته بود که قبل از این هم در سریال های دیگر بازی کرده بودند. همین مساله باعث شد این انتقاد مطرح شود که بازی بازیگرانی همچون یوسف تیموری، مرجانه گلچین، مهران غفوریان و هدایت هاشمی تکرار بازی های قبلی شان است. ابتدا اسم محمدحسین لطیفی به عنوان کارگردان این سریال مطرح شد، اما بعد تهیه کننده اعلام کرد لطیفی مشاور ساخت این سریال است. نکته دیگر در مورد این سریال شوخی ها و کنایه های سیاسی بود که کمتر دچار تیغ سانسور شد و همین باعث شد مخاطب با آن همراه شود. حتی تکه پرانی های این سریال در فضای مجازی پخش می شد و باعث دیده شدن بیشتر این سریال شد.

بر سر دوراهی

دوباره تیم حامد عنقا و بهرنگ توفیقی، این بار در نوروز ۹۸، با سریالی جدید به شبکه دو آمدند؛ سریالی که ابتدا اسمش را «تنگنا» عنوان کردند و بعد «ساده دلان» و آخر هم به «بر سر دوراهی» رسیدند. منتقدان سریال می گفتند اتفاقات این سریال فقط در فیلمنامه رخ می دهد و در دنیای واقعی امروز مردم جایی ندارد، اما عنقا درباره سریالش می گوید: «قصه از قبل وجود داشت و ما پیش از شروع کار دیدیم آن قصه آن کار موفقی که بخواهیم پایش بایستیم، نیست و بعد از گذشت چند روز از پیش تولید قصه را با نام ساده دلان کنار گذاشتیم. من قصه جدیدی را طراحی کردم و نوشتم؛ نتیجه اش بر سر دوراهی شد. جنس این کار با آثار سال های اخیر من متفاوت است و کمی به فضای فیلم انتخاب که سال ها پیش نوشته ام، نزدیک شد و یک اثر جدی و عاشقانه است.»

شرایط خاص

شلوغی کنداکتور شبکه سه باعث شد پخش این سریال به سال ۹۸ بیفتد. این سریال به کارگردانی وحید امیرخانی ساخته شد

و به قول کارشناسان، مثل این است که او عکسی از کامبیز دبیر باز در «اخراجی ها ۱» را جلوی چشمش گذاشته و سریالش را ساخته است. «شرایط خاص» یک مجموعه بدون کیفیت بود که صرفا از طریق بازی با مضامین اجتماعی و باورهای اعتقادی و دینی می خواست تماشاگر را سرگرم کند، اما چون از نظر ساختار هنری و داستان های پرکننده و تکراری قابلیت و توانایی جذب مخاطب را نداشت، ناموفق بود. یکی دیگر از نقاط ضعف این سریال، ریتم داستان آن است؛ ریتمی کند و در برخی موارد صحنه ها تکراری و پس و پیش تدوین شده است و همین ها مخاطب را دچار سردرگمی می کند.

دنگ و فنگ

بعد از پخش «نون. خ» همه منتظر بودند سریالی را ببینند که بتواند بار کمدی تلویزیون را به دوش بکشد، اما جواد مزداآبادی در سریال جدیدش به اسم «دنگ و فنگ» نتوانست آنچه ان موفق باشد؛ سریالی که تکرار همه سریال های طنزی بود که در این مدت از تلویزیون پخش شده بود. او در مقصد و هدف خودش هم ناموفق بوده و نتوانسته دوستی، نزدیکی، محبت و عشق را به دور از کلیشه ها و تکرارها فریاد برزند و شاید بیش از رسیدن به سوزه و مقصد داستانی سریال، بیشتر درگیر کنایه ها و دیالوگ های کلانی بازیگران می شود. محمد نادری، بازیگر نقش اول سریال، پیش از این، نقشی همچون اردشیر «دنگ و فنگ» را برای سریال «شمعدونی» کار کرده بود، اما باز هم آنچه ان نتوانست موفق باشد.

روزهای بی قرار

فصل اول «روزهای بی قرار» که تمام شد، شاید مخاطب دنیال این بود که بداند بالاخره سرنوشت دختر داستان چه می شود، دلیل اما با ساخت فصل دوم می توان راحت گفت که اگر ساخته هم نمی شد، هیچ اتفاقی نمی افتاد. فصل دوم سریال کاظم معصومی مجموعه ای است که با بایستن به ماجرا های بی ربط شخصیت



نگاهی به آخرین مجموعه «مردان ایکس»

محکوم به نابودی

معرفی شخصیت جین ایلین گری سامرز یکی از شخصیت های کمیک های مارول است که در دسته مردان ایکس قرار داده شد و جزء افراد تاثیر گذار در این مجموعه شناخته می شود که با نیروهای کنترل ذهن و جابه جایی تمامی اجسام از راه دور، دارای قدرت زیادی در سطح امگا است و در کنار دیگر «مردان ایکس» قرار می گیرد.

این شخصیت در سه گانه ابتدایی این مجموعه حضور جدی داشت ولی به هیچ وجه نتوانست همانند کمیک ها ساخته شود و تبدیل به یک شخصیت مستقل همانند دیگر ابرقهرمانان نشد و در آخر این سه گانه توسط لوگان که شخصیت اصلی داستان است، از فیلم حذف می شود. پس از چند فیلم و معرفی افراد جدید، زمان آن می رسد که در فیلم آپوکالیپس، شاهد حضور «جین ایلین گری سامرز» به عنوان یک نوجوان، قبل از رسیدن به آن سنینی باشیم که در سه گانه ابتدایی شاهدش بودیم. این درحالی است که او این بار بیش از پیش در فیلم مجهول است و تعریف درستی پیدا نمی کند.

تولید **رولینگ استون (پتر تراورس)**: ققنوس تاریکی تنها فیلمی عذاب آور نیست، بلکه بدترین فیلم این مجموعه از قسمت اول در سال ۲۰۰۰ تاکنون است. در حالی که امتیازات کم این مجموعه با فیلم آپوکالیپس جبران می شود. «ققنوس تاریکی» مانند یک ماهی درحال مرگ فقط دروغ می گوید. او به طور بیهوده در جزیره ای گیر افتاده و در انتظار مرگی اجتناب ناپذیر برای نور است. میزان فاجعه در فیلم شگفت انگیز است، زیرا مردی (کارگردان) که سعی دارد با این ققنوس داخل غار شود، سیمون کینبرگ است که در گذشته تهیه کننده بیشتر فیلم ها و گاهی فیلمنامه نویس این مجموعه بوده. پس آیا او نباید شخصیت های این داستان را به خوبی بشناسد تا در معرفی آنها شکست نخورد؟ **ایندی وایر (دوبود اریسج)**: اگر ققنوس تاریکی پایین ترین سطح فیلم بلاک



باستری (فیلم های بفروش هالیوود) در قرن ۲۱ است، به این دلیل نیست که بدترین فیلم در دسته خودش است. حتی به این دلیل هم نیست که مجبور به پرداخت حق امتیاز خود به این کمپانی شده، بلکه به این دلیل است که شاید این تنها ۲۰۰ میلیون دلاری باشد (بودجه فیلم) که هیچ دلیل واضحی برای وجود داشتن ندارد. صنعت این فیلم با یک قرارداد بین هالیوود و مخاطبانش حفظ می شود که توسط کمپانی های سازنده آن تعریف می شود. مخاطبان مجبورند هزینه ای دو برابر برای دو طرف ماجرا پرداخت کنند و در سالتی تاریک بنشینند و نمی توانند این خطی را ببینند که هنر را از تجارت جدا می کند.

مشکل اصلی دوازدهمین فیلم مردان ایکس هم شکستن این قرارداد، نه بیشتر و نه کمتر از گذشته است. همانند دیدن یک فیلم با چراغ های روشن سالن! ققنوس تاریکی اولین فیلم رایگان در دوره مگا فانتجزر نیست، اما این یکی باقیه فرق می کند. این توانایی بی نظیر است. این داستان هیچ کمکی به پیشبرد داستان سریالی این مجموعه نمی کند، درحالی که به نظر می رسد به شدت دارد تلاش خودش را می کند. نه تنها موارد روایتی منبع را از بین می برد، بلکه از قدرت خود برای برطرف کردن آن هم استفاده می کند. نه تنها بازیگرانی خوب را در این فیلم هدر می دهد، بلکه به لطف کارگردانی که اولین تجربه اش را سپری می کند، نمی تواند حتی کاری کند که بازیگران خوب به نظر برسند.